



## امام حسین (ع) از نگاه اندیشمندان و بزرگان ادیان

نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) آنچنان نفوذی دارد که نه تنها مسلمانان بلکه تمامی ادیان و مذاهب بر عمق و عظمت این حادثه و معنویت آن معترفند و پیام عاشورا تا پایان دنیا به عنوان ناب ترین شعار عدالت خواهی و آزادی به هنگام ظلم و بیداد در هر جای این کره خاکی سروده خواهد شد. اسناد حماسه ساز عاشورا نشانگر این حقیقت است که حسین(ع) و یاران آزاده اش در گذر زمان در برابر استبدادی دمنش و خونخوار و سپاهی دژخیم در بیابانی خشک و سوزان رو به رو شدند تا به انسان های سرکش و زیاده خواه بفهمانند که ظلم و استبداد مقام و موقعیت و شرف و بلند مرتبگی نمی آورد. بسیاری از اندیشمندان و بزرگان ادیان مختلف به دنبال سالها پژوهش و تحقیق در زمینه فلسفه قیام عاشورا و نهضت حسینی همگی بر این عقیده اند که قیام امام حسین (ع) نشأت گرفته از یک قدرت الهی بود و امام حسین (ع) با این حرکت خود قصد داشت تا دین اسلام و سیره پیامبر (ص) را برای همیشه جاوید سازد تا در گذر

ایام دستخوش تحریف و دگرگونی نشود.

- «انتوان بار!» از جمله پژوهشگران مسیحی است که در کتاب «حسین در اندیشه مسیحیت» خود حقیقت شخصیت امام حسین (ع) را اینگونه بیان کرده است: "من در مورد زندگی و حرکت حسین(ع) بیشتر به بعد انقلابی شخصیت ایشان شیفته شده ام. آن حضرت در مرامنامه قیام خود اعلام می کند: "من از روی هوسرانی و خوشگذرانی و برای افساد و ستمگری قیام نکرده ام بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدم و برای امر به معروف و نهی از منکر و حرکت براساس سیره جد و پدرم

است."

"بعد دیگر شخصیت امام حسین (ع) که مرا شیفته خود کرده، تواضع ایشان در کنار روح انقلابی است این دو خصیصه نمی تواند در یک شخص جمع شود. تواضع از صفات و ویژگی های برگزیدگان خداست او در عین احساس عزت و آزادی و سرافرازی در برابر دشمنان، تواضع خاص خود را دارد. این بعد عظیمی است که از ویژگی

امام به شمار می رود."

- چارلز دیکنز (نویسنده معروف انگلیسی) می گوید: اگر منظور امام حسین(ع) جنگ در راه خواسته های دنیایی بود، من نمی فهمیدم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می کند که او فقط به خاطر اسلام، فداکاری خویش را انجام داد. - توماس کارلایل (فیلسوف و مورخ انگلیسی) نیز می گوید: بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم، این است که حسین(ع) و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند.

آنها با عمل خود روشن کردند که توفیق عددی در جایی که حق یا باطل روبرو می شود و پیروزی حسین(ع) با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است. - ادوارد براون (مستشرق معروف انگلیسی) ، عنوان می کند : آیا قلبی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سخن می شنود، آغشته با حزن و الم نگردد؟ حتی غیر

مسلمانان نیز نمی توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت انکار کنند. - فردریک جمس اظهار می دارد : درس امام حسین(ع) و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی و ترحم و محبت وجود دارد که تغییر ناپذیرند و همچنین

می رساند که هر گاه کسی برای این صفات مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند. - ل. م. بوید ، هم می گوید : در طی قرون، افراد بشر همیشه جرات و پردلی و عظمت روح، بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته اند و در همین هاست که

آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین(ع). و من مسرورم که با کسانی که این فداکاری عظیم را

از جان و دل ثنا می گویند شرکت کرده ام، هرچند که 1300 سال از تاریخ آن گذشته است.

- واشنگتن ایروینگ (مورخ مشهور آمریکایی) ، براین عقیده است که : برای امام حسین(ع) ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلافت بنشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن

اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در ریگ های تفتیده عربستان، روح حسین(ع) فنا ناپذیر است. - توماس ماساریک، تصریح می کند : گر چه کنششان ما هم از ذکر مصائب مسیح مردم را متأثر می سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین(ع) یافت می

شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب این باشد که مصائب مسیح در برابر مصائب حسین(ع) مانند پرکاهی است در مقابل یک کوه عظیم بیکر. - موریس دو کبری، خاطر نشان می کند : در مجالس عزاداری حسین(ع) گفته می شود که حسین(ع)، برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از

جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت. پس بیایید ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده، از زبردستی استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ با

عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم.

- ماریبن آلمانی (خاورشناس)، می گوید : حسین(ع) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلندآوازه ساخت. این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم

هر چه ظاهرا عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت.

- جرج جرداق (دانشمند و ادیب مسیحی) یاد آور می شود : وقتی یزید مردم را تشویق به قتل حسین(ع) و مامور به خونریزی می کرد، آنها می گفتند "چه مبلغ می دهی؟" اما انصار حسین(ع) به او می گفتند "ما یا تو هستیم. اگر هفتاد بار کشته شویم، باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم".

- گیبون (مورخ انگلیسی) ، عنوان می کند : با آنکه مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هم وطن نیستیم، مع ذلک مشقات و مشکلاتی که حضرت حسین(ع) تحمل کرده، احساسات سنگین دل ترین خواننده را برمی انگیزد، چندانکه یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد.

- سر پرسی سایکس (خاورشناس انگلیسی)، تاکید می کند : حقیقتا آن شجاعت و دلاوری که این عده قلیل از خود بروز دادند، به درجه ای بوده است که در تمام این

قرون متمادی هر کسی که آن را شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود. این یک مشیت مردم دلیر غیرتمند، نامی بلند غیرقابل زوال برای خود تا ابد باقی

گذاشتند.

- تاملاس توندون (هندو، رئیس سابق کنگره ملی هندوستان)، براین باور است که : این فداکاری های عالی از قبیل شهادت امام حسین(ع) سطح فکر بشریت را ارتقا

تعمق و تأمل در سخنان این اندیشمندان و بزرگان از فرقه ها و ادیان مختلف بیانگر شکست ناپذیر بودن نهضت عاشورا و شکوه سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) در منطق و منش است و اینکه این نهضت برای بشریت با هر گرایش و سلیقه ای راهگشای رسیدن به زندگی سعادتمند و گسترش عدالت و آزادی است.

منبع: نابگاه اطلاع، بیان، بعثه مقام معظم رهبری

بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند.

- شیخ جعفر شوشتری، می گوید: از عظمت بلکه معجزه قرآن، آن است که برخلاف دیگر کتابها تکرارش ملال آور نیست، بلکه لطفش بیشتر می گردد، مصیبت امام حسین (ع) هم همینطور است. هرچه خواننده یا شنیده شود باز تازه است. دیگر آنکه نگاه کردن به خط قرآن عبادتست، تلاوت و گوش دادن به آن عبادتست، مرثیه امام

حسین(ع)، همچنین است، خواندنش و گوش دادنش عبادتست، گریاندنش و گریه کردنش نیز عبادتست. - مهاتما گاندی (رهبر استقلال هند)، می گوید: من زندگی امام حسین(ع)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خواندم و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من

روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پرورز گردد، بایستی از سرمشقی امام حسین(ع) پیروی کند. - محمد علی جناح (قائد اعظم پاکستان) نیز می گوید: هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین(ع) از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد در عالم پیدا نمی

شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشقی این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد پیروی نمایند.

- لیاقت علی خان (نخستین نخست وزیر پاکستان)، تصریح می کند: این روز محرم، برای مسلمانان سراسر جهان معنی بزرگی دارد. در این روز، یکی از حزن آورترین و تراژدیک ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد، شهادت حضرت امام حسین(ع) در عین حزن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود، زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار

می رفت. این درس به ما می آموزد که مشکلات و خطرها هرچه باشد، ناپستی ما پروا کنیم و از حق و عدالت منحرف شویم. - عباس محمود عقاد (نویسنده و ادیب مصری)، تأکید می کند: جنبش حسین(ع)، یکی از بی نظیرترین جنبش های تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت های دینی

یا نهضت های سیاسی پدیدار گشته است ... دولت اموی پس از این جنبش، به قدر عمر یک انسان طبیعی دوام نکرد و از شهادت حسین(ع) تا انقراض آنان بیش از شصت و اندی سال نگذشت.

- عبد الرحمن شرفاوی (نویسنده مصری)، نیز می گوید: حسین(ع)، شهید راه دین و آزادی است. نه تنها شیعه باید به نام حسین(ع) ببالد، بلکه تمام آزادمردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند.

- طه حسین (دانشمند و ادیب مصری)، عنوان می کند: حسین(ع) برای به دست آوردن فرصت و از سرگرفتن جهاد و دنبال کردن از جایی که پدرش رها کرده بود، در آتش شوق می سوخت. او زبان را درباره معاویه و عمالش آزاد کرد، تا به حدی که معاویه تهدیدش نمود. امام حسین(ع)، حزب خود را وادار کرد در طرفداری حق سختگیر

باشند. - علامه طنطاوی (دانشمند مصری)، نیز می گوید: داستان حسینی عشق آزادگان را به فداکاری در راه خدا بر می انگیزد و استقبال مرگ را بهترین آرزوها به شمار می

آورد، چنانکه رای شتاب به قربانگاه، بر یکدیگر پیشی جویند.

- دانشمند نامدار اهل سنت "ابن ابی الحدید" نیز در مورد جلوه های آزادی و شکست ناپذیری عاشورا چنین نوشته است: "سالار پرشکوه شکست ناپذیران روزگار و قهرمان کسانی که در برابر ذلت و تحقیر سر فرود نیاورده و به عصرها و نسلاها درس جوانمردی و شرافت و مرگ پر افتخار را زیر سایه شمشیرهای آخته داد، و آن را بر

سازش با بیداد و فریب برگزید، پدر یکتاپرستان گیتی حسین(ع)، فرزند رشید علی(ع) است. استبدادگران اموی به آن شخصیت تسخیر ناپذیر و پارانیش امان دادند، اما او بدان دلیل که نمی خواست در برابر ذلت و بیداد سر خم کند و نیز بیم آن داشت که اگر با پذیرش امان نامه کشته هم نشود، ذلت بر او و دیگر آزاد منشان رهرو راهش از

سوی عبید و دیگر خودکامگان سپاهکار و حقیر تحمیل گردد، مرگ پر عزت و افتخار را بر زندگی ذلیلانه برگزید." - شاعر دانشمند "ابونصر سعدی" از سرایندهگان نامدار قرن چهارم در وصف آزادی و عزتمندی حسین(ع) از جمله چنین می سراید: "حسین (ع) همان کسی است که

مرگ با عزت و آزادی را زندگی حقیقی می نگرست و زندگی با ذلت و حقارت را مرگ.

این حقیقت درخشان حتی در گزارش و سخنان دشمن نیز آمده است از جمله "حمید بن مسلم" از گزارشگران رویداد عاشورا در وصف شکوه و شکست ناپذیری

پیشوای آن می گوید: "به خدای سوگند که فروغ فروزان سیمای حسین و جمال و هیبت او به گونه ای مرا مجذوب و واله ساخته بود که اندیشه کشتن او را از یاد بردم." پس از رویداد جانشوز عاشورا، یکی از منتقدان، برخی از سپاه شوم اموی را نکوهش کرد که ننگ و نفرین بر شما! چگونه فرزندان پیامبر را آن گونه ناجوانمردانه قتل عام

کردید؟

او پاسخ داد: "دوست من! بیهوده سخن مگو! اگر تو نیز آن روز آنچه را ما با آن رویه رو شدیم می دیدی، جز جنایت و بیدادی که از ما سر زد از تو سر نمی زد چرا که ما با گروهی کم شمار رو به رو شدیم که دستهایشان بر قبضه شمشیر بود و شیرآسا از هر سو، جنگاوران را به خاک هلاک می افکندند و خود را بی هیچ هراسی به دریای

مرگ می زدند! آنان مردمی بودند که نه در برابر ثروت و مقام سر فرود می آوردند و نه امان و امان نامه و نه زور و خشونت و مرگ! چیزی نمی توانست میان آنان و مرگ همدفدار یا چیرگی بر حکومت مانع شود و اگر ما اندکی در برابر آن اراده های مصمم و شکست ناپذیر کوتاه می آمدیم جان همه سپاه اموی را می گرفتند! با این وصف ای

بی مادر! ما تیره بختان چه می توانستیم انجام دهیم."

- هنگامی که پیشوای آزادی گام به میدان دفاع نهاد، پس از روزها تشنگی و تلاش و بدرقه دردناک یاران راه و تحمل آن شرایط دشوار محاصره و پیکار نابرابر، طبق روال عادی باید خسته و تسلیم پذیر و دارای روحیه ای درهم شکسته باشد و در برابر ده ها هزار نفر دستها را به نشان تسلیم بالا برد، اما شگفتا! که وقتی سپاه استبداد با

او رو به رو شد، شهامت و شجاعت و قدرتی را در برابر خود یافت که هرگز تصور نمی کرد! هر کس به انگیزه شرارت پیش رفت، لحظه ای مهلت نیافت از این رو "عمر بن

سعد" فریاد کشید: مادرهایتان در مرگتان بگریند، می دانید به چنگ چه کسی رفته اید؟ این فرزند بزرگترین قهرمان اسلام است.

- "شمر"، خشن ترین فرمانده سپاه استبداد در اعتراف به آزادی و شکست ناپذیری حسین (ع) گفت: به خدای سوگند که او روح تسخیر ناپذیر پدرش علی را در کالبد

دارد.